

رویکرد قرآنی شهید صدر درباره عوامل شکل‌گیری تغییر و هدایت اجتماعی (در گفت‌وگو با استاد عبدالکریم بهجت‌پور)*

اشاره

حجت الاسلام عبدالکریم بهجت‌پور در گفت‌وگوی حاضر، نخست با تبیین اندیشه شهید صدر در رسالت قرآن که هدایت اجتماعی است، به مقایسه این دیدگاه با برخی متفکران معاصر همچون علامه مصباح یزدی* و علامه جوادی آملی و نقاط قوت و

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. تاریخ گفت‌وگو: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹

حجت الاسلام عبدالکریم بهجت‌پور متولد سال ۱۳۴۴ در شهرستان دزفول است. وی سال ۱۳۶۰ وارد حوزه علمیه شد و در سال ۱۳۸۰ با اتمام سطح ۴ حوزه در رشته تفسیر و علوم قرآن از رساله علمی خود دفاع کرد. وی یکی از برجسته‌ترین شاگردان مرحوم آیت‌الله معرفت عضو هیئت علمی (دانشیار) پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و صاحب نظریه و سبک تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) است. مهم‌ترین اثر استاد بهجت‌پور کتاب همگام با وحی نخستین تفسیر جامع شیعی به ترتیب نزول قرآن است. اما نگاه‌های دیگری همچون تفسیر فریقین و مبانی، اصول، قواعد و فواید تفسیر تنزیلی و مهارت‌های بیان تفسیر سوره‌های قرآن کریم از وی در حوزه علوم قرآن و تفسیر مورد استقبال محققان قرار گرفته است.



اهمیت آن پرداختند و تربیت صحیح انسان از دیدگاه شهید صدر^۱ را در گرو رسیدن به حضور توحیدی در اجتماع یاد کردند. شهید صدر^۲ با تکیه بر هدف بعثت انبیا و آیات قرآن که بیانگر این غرض است، معتقد است قرآن نازل شد تا جامعه معاصر نزول را پایگاهی برای تشکیل امت اسلامی قرار دهد و تربیت فردی انسان باید به گونه باشد که تحول اجتماعی آفرین باشد و با آن تناسب داشته باشد. مزیت الگوی شهید صدر با توجه به استنباط از بستر تاریخی عصر نزول است که فرازمانی و مکانی است و ضعف اندیشه شهید صدر^۳ در عدم احصای کامل این الگوی قرآنی است؛ چراکه به خوبی از مهندسی تحول اجتماعی از منظر قرآن رمزگشایی نکرده است.

جولایی فر: * با سلام و احترام در خدمت شما هستیم با موضوع رویکرد قرآنی شهید صدر^۴ درباره عوامل شکل‌گیری تغییر و هدایت اجتماعی. همان گونه که مستحضرید موضوع تحول و هدایت انسان در اجتماع به ویژه در جامعه اسلامی امروزه یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به نظامات اجتماعی است. لطفاً نخست به خاستگاه این موضوع با عنوان رسالت قرآن اشاره بفرمایید.

بهجت پور: اهداف قرآن از جهت نزول را می‌توان در ۲۹ مورد خلاصه کرد؛ از جمله آیاتی همچون:

۱. هدی للناس (بقره: ۱۸۵).

۲. هدی و رحمة للمؤمنین (یونس: ۵۷).

* مجتبی جولایی فر، دانش‌پژوه سطح چهار فقه تربیت مؤسسه فقه و علوم اسلامی و مدرّس سطوح عالی حوزه علمیه قم.



۳. هدی و رحمة للمحسنین (لقمان: ۳).

۴. لِيُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (یس: ۶).

آیاتی دیگری نیز وجود دارد که گزاره‌های درون‌قرآنی هستند و اهداف قرآن را بیان می‌نمایند. باید توجه داشت این ۲۹ هدف در یک رتبه قرار ندارند و از منظر جزئی بودن، میانی بودن و کلان بودن می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد.

الف) دیدگاه اندیشمندان در رسالت قرآن

جولایی فر: متفکران و مفسران در مواجهه با این آیات به دیدگاه‌های مختلفی روی آورده‌اند و گاهی مراحل برای آنها بیان شده است. لطفا اشاره‌ای به این دیدگاه‌ها بفرمایید.

بهجت پور: توجه به آیات پیشین زمینه‌ای شد که گروهی از قرآن‌پژوهان در علوم قرآن که مباحث پدیدارشناختی قرآن است و در بحث تفسیر موضوعی به مسئله اهداف قرآن توجه کرده و کوشیدند ساختاری برای اهداف قرآن تنظیم کنند؛ برای نمونه به برخی این دیدگاه‌ها اشاره می‌گردد.

۱. آیت‌الله جوادی آملی در جلد نخست **تفسیر موضوعی قرآن** بحث نورانی شدن انسان را مطرح کرده و می‌فرماید: «آن‌گاه که انسان نورانی شد، جامعه نورانی می‌شود». ایشان فرد انسان را اصل قرار می‌دهد و آن را مقدمه رشد جامعه می‌داند.

۲. آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب **قرآن‌شناسی** از مجموعه اهداف بیان شده در قرآن استفاده می‌کند و معتقد است: «قرآن به دنبال یک تحول و تغییر همه‌جانبه است». ایشان تحول در حوزه بینش، گرایش و رفتار را کنار هم قرار می‌دهد و تحول همه‌جانبه را رسالت



قرآن معرفی می‌نماید. هر یک از این دیدگاه‌ها نیازمند تبیین بهتری است که به جهت اختصار و ضرورت به همین مقدار اکتفا شد.

ب) رسالت قرآن در اندیشه شهید صدر علیه السلام

جولایی فر: شهید صدر علیه السلام به عنوان مفسر و متفکر معاصر دیدگاهی دیگر برگزیده است. دیدگاه ایشان را توضیح بفرمایید.

بهبخت‌پور: شهید صدر رسالت قرآن را یک تحول ریشه‌دار اجتماعی و نه سطحی می‌داند. ایشان در توضیح این هدف می‌فرماید: «قرآن آمده است جامعه معاصر نزول را پایگاهی برای تشکیل امت اسلامی قرار دهد». از دیدگاه ایشان رسالت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله تربیت مردمی بود که بتوانند پایگاهی برای تشکیل امت اسلامی شوند. در واقع کشورگشایی‌ها و ترویج اسلام در جهان آن روز، محصول پایگاهی بود که پیامبر تشکیل داد. اصولاً از نظر ایشان رسالت قرآن، اجتماعی است. شهید صدر معتقد بود برای اینکه در جامعه به مفهوم کلان آن یک وحدت و نه فقط اتحاد شکل بگیرد، باید ابتدا مکه و مدینه تحت تأثیر قرار می‌گرفت که پیامبر در طول حیات خود این کار را کرد و رسالت خود را انجام داد و این پایگاه را تشکیل داد.

ج) مقایسه دیدگاه شهید صدر علیه السلام با علامه مصباح یزدی علیه السلام و علامه جوادی آملی

جولایی فر: سنجش این چند دیدگاه در مقایسه با شهید صدر علیه السلام را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟



بهجت‌پور: تفاوت دیدگاه این سه بزرگوار این است که استاد جوادی آملی محوریت را به فرد می‌دهد. شهید صدر، اجتماع را محور می‌داند و آیت‌الله مصباح تحول همه‌جانبه فردی و اجتماعی را در نظر می‌گیرد. این نکته را باید توجه داشت که مسئله اصلی در تبیین هدف قرآن و عامل تعیین‌کننده در گزینش هدف نزول، صورت‌بندی اهداف ۲۹ گانه‌ای است که در قرآن ذکر شده است؛ لذا شهید صدر توحید در برابر شرک، عقلانیت در برابر جاهلیت و تزکیه افراد را اصل قرار می‌دهد و معتقد است با تغییر در این امور ریشه‌ها اصلاح می‌شود. شاگردشان شهید حکیم این مطالب را بیشتر توضیح می‌دهند.

شهید صدر همه اهداف ۲۹ گانه را ذیل تغییر ریشه‌دار اجتماعی می‌پندارد؛ یعنی برای این تغییر، همه این ۲۹ هدف لازم و ضروری است؛ جایی باید انذار شوید؛ جایی باید بشارت دریافت کنید؛ جایی باید نسبت اسلام را با ادیان پیشین روشن کنید و... به طور کلی این اهداف، مؤلفه‌های مقدماتی هستند برای اینکه آن هدف اصلی محقق شود.

د) امتیاز دیدگاه شهید صدر^{علیه السلام} در رسالت قرآن

جولایی فر: دیدگاه‌های شهید صدر^{علیه السلام} معمولاً نو و ابتکاری است و به زوایای مختلفی

از بحث می‌پردازد. به نظر شما خصوصیت و مزیت دیدگاه شهید صدر^{علیه السلام} چیست؟

بهجت‌پور: حسن نگاه شهید صدر این است که در تحولات فردی به عنوان جریان بریده از تحولات اجتماعی باقی نمی‌ماند. من این طور می‌فهمم که ایشان به تحول فردی بریده از اجتماع اصالت نمی‌دهد. قرآن نیامده که از ما یک صوفی بسازد تا در گوشه دیری بنشینیم و به خود مشغول شویم. این تفاوت نگاه شهید صدر است. او تربیت فرد را هم برای این می‌داند که در اجتماع حاضر شود، مثل این است که شما بدون ذکر جزئیات،



سفارش ساخت یک عدد پیچ می‌دهید؛ گاهی هم سفارش می‌دهید پیچی برای شما بسازند که فرمان را به چرخ ماشین وصل کند یا پیچی که غربیلک فرمان را سفت کند یا پیچی که فقط داشبورد را ببندد. حالا شما بگویید این سه پیچ با هم تفاوت ندارند؟ شهید صدر می‌فرماید: انسان در اجتماع است. قرآن نگفته من به تو کار دارم و با جماعات کاری ندارم. این کتاب از ابتدا به قصد جامعه‌پردازی آمده است و حتی اعتقادات شما را طوری می‌سازد که به خوبی بتوانید در یک جامعه که بخشی از هویت شماست، بر مدار حق زندگی کنید.

ه) جایگاه تربیت انسان در هدایت اجتماعی از منظر شهید صدر^ع

جولایی فر: تربیت انسان یکی از دغدغه‌های شهید صدر^ع است. این مهم در

هدایت اجتماعی چگونه محقق می‌گردد؟

بهبخت‌پور: علامه صدر معتقد به تربیت فرد در جامعه است نه در خلأ. فرد از همان ابتدا تربیتی جدا از جامعه نباید داشته باشد. من در نسبت با جامعه خود باید تربیت بشوم. اگر جامعه من مشرک و جاهل است، باید مرا طوری تربیت کنند که آنجا هم بتوانم مقاومت کنم و اگر هم جامعه متدین دارم، نیاز به تربیتی دیگر دارم.

شهید صدر یک ربط بین فرد و جامعه ایجاد می‌کند و این گونه به جامعه اصالت می‌دهد نه به صورت مستقل و در مقابل اصالت فرد؛ یعنی مشخص می‌کند فرد چگونه باید در جامعه نقش بایسته خود را ایفا کند. تربیت دینی هم وقتی به ثمر می‌رسد که فرد را در جامعه بسازد و در جامعه نگه دارد و قوی کند. به نظر من این نگاه اجتماعی والایی است که در اندیشه شهید صدر وجود دارد.

و) تاریخ تحولات فرهنگی غرب، زمینه ظهور اندیشه هدایت اجتماعی قرآن

جولایی فر: برخی جریان‌های فکری در میان مسلمانان ریشه در برخی تحولات فرهنگی غرب دارد. آیا اندیشه رویکرد قرآنی شهید صدر متأثر از جریان و تحولات در غرب است؟

بهجت پور: توجه به تاریخ تحولات غرب بیانگر این است که اروپا در مسیر طولانی حکومت کلیسا و امپراتوری‌ها به این نتیجه رسید که باید به سمت یک جامعه‌پردازی حرکت کند. ابتدا به طرف علوم طبیعی رفت؛ اما همین که مردم را از روستاها به شهرها کشاند، به سرعت فهمید که باید علوم اجتماعی و دانش‌هایی برای اداره اجتماع تولید کند. وقتی انقلاب کبیر فرانسه رخ می‌دهد، مردم هم با دین می‌جنگند و هم با الگوی حکومت پادشاهی و در آخر جمهوری را مطرح می‌کنند. جلوتر که می‌آیند، بهترین الگوی زندگی را حکومت بر مبنای دخالت آرای مردمی و دین سکولار می‌بینند؛ چون می‌پندارند دین روادار نیست، عصبی می‌شود و تندخویی می‌کند؛ مثلاً مسیحیت با اسلام می‌جنگد و... اینها در دو قرن، هشت جنگ صلیبی با اسلام داشتند که هم اروپا و هم دولت عثمانی را ضعیف ساخت. نهایتاً هم هر دو سقوط کردند. در عصر رنسانس مدل‌های مردمی حکومت سرکار آمد و زندگی اجتماعی بر اساس نظرات عمومی شکل گرفت. به دین هم گفتند: شما روادار باش. به نظر من پلورالیسم، دموکراسی و سکولاریسم سه برون‌داد فرهنگی در غرب بود.

وقتی این موج فرهنگی از غرب وارد دنیای اسلام در مصر شد، محمد عبده به مقابله برخاست و نگاه اسلامی را تبیین کرد. بعضی می‌گویند ایشان تحت تأثیر سید جمال بوده





که بنده آن را بررسی نکرده‌ام؛ اما محمد عبده به تدوین نگاه اسلام پرداخت و به نظر من ایشان در توجه به مسائل اجتماعی اسلام یک قله است. کسانی مثل علامه طباطبایی هم به نظرات ایشان توجه داشتند. در همان شرایط چند دهه پیش، مارکسیست‌ها ظهور می‌کنند و فرد و خانواده را مضمحل می‌سازند که شهید صدر پا به میدان می‌گذارد و بعد از محمد عبده، راه حل دومی برای مسئله اجتماعی بودن دین مطرح می‌کند؛ البته من ندیده‌ام ایشان در جایی به اندیشه‌های محمد عبده تمسک کند یا استناد نماید.

بالاخره ما با شهید صدری مواجهیم که سعی دارد اسلام را یک دین اجتماعی معرفی کند نه فردی. در مقابل اروپا که دین را به تجربه فردی با خدای خود فرو می‌کاهد. شهید صدر می‌گوید: حتی آن جنبه فردی‌ای که شما فکر می‌کنید، در رابطه با جامعه معنادار می‌شود. انسان که در خلأ زندگی نمی‌کند. حیات او با خانواده شروع می‌شود و به جامعه می‌پیوندد. شاید ایشان در عرض محمد عبده باشد.

ز) تبیین قرآنی دیدگاه شهید صدر

جولایی فر: با توجه به اینکه ضرورت هدایت اجتماعی را عقل به خوبی درک می‌کند،

چه دلیل قرآنی بر این اندیشه شهید صدر وجود دارد؟

بهبخت‌پور: آیات قرآن به این مطلب اشاره دارند که خداوند برای هر امتی رسولی فرستاده است (یونس: ۴۷) و اینکه ارسال و اعزام انبیا به سمت قوم است نه افراد (اعراف: ۵۹)، نشان‌دهنده رویکرد اجتماعی دین است. پیامبران در یک جامعه که اردوگاه شرک و انحراف است، خیمه می‌زنند. نقل است پیامبر ما در اولین بیانات خود بر بلندی کوه ابوقبیس رفت و فریاد زد: «یا جماعه یا جماعه». خطاب پیامبر خدا به جماعت مردم



است. انبیا هم کارشان را اجتماعی شروع می‌کنند. حضرت ابراهیم علیه السلام با قوم بت پرست خود در می‌افتد و همه علیه او می‌شورند.

آن گونه که من از سیر نزول قرآن می‌فهمم، پیامبران دعوتشان را در جامعه آغاز می‌کنند؛ سپس عده‌ای با آنها همراه می‌شوند و عده‌ای هم به مخالفت بر می‌خیزند. پیامبران آن گروهی را که همراه شده‌اند، زیر خیمه اسلام می‌آورند. این افراد شکل گروهی و جمعی به خود می‌گیرند و در مرحله‌ای که گروهی توانا شدند، قرآن می‌فرماید: «فاصدع بما تؤمر: ای پیامبر بر اساس دستورهایی که دریافت می‌کنی جامعه را دوپاره کن» (حجر: ۹۴). شما می‌بینید از سوره حجر به بعد که سوره پنجاه و چهارم سیر نزول است، می‌فرماید: «شما خدایان آنها را سب نکنید»، «شما از ذبیحه آنها که برای بت‌ها قربانی می‌کنند، نخورید».

خداوند از سوره پنجاه و پنجم که در سیر نزول، سوره انعام است، گروه مؤمنان را از کافران جدا می‌کند و در یک اقدام اجتماعی، جامعه را دوقطبی می‌سازد؛ می‌فرماید: «پدر و مادرت را احترام کن، اما اگر تو را به شرک وادار کردند، دیگر اطاعتشان نکن».

خداوند رفتار اجتماعی را مدیریت می‌کند تا مؤمنان آرام آرام قوی شوند؛ آن‌گاه با آنان جامعه‌پردازی می‌کند که این احکام اجتماعی از سوره بقره که هشتاد و هفتمین سوره سیر نزول و اولین سوره مدنی است، آغاز می‌شود. در ابتدای آن سوره می‌فرماید: این مؤمنان جامعه‌ای هستند که شش ویژگی دارند و آنها را در مکه آموخته‌اند. ما در مکه یاد گرفتیم که نماز بخوانیم، زکات بدهیم و به آخرت ایمان داشته باشیم و....

در واقع خداوند از ما می‌خواهد با این ویژگی‌ها شروع به جامعه‌پردازی کنیم؛ ضمناً در سیر نزول آیات، آسیب‌ها و اشکالات این جامعه گفته می‌شود و مؤلفه‌های لازم دیگر هم



در قالب وحی نازل می‌گردد. آن‌گاه خداوند با امامت و فقاہت و تهدید نسبت به ارتداد، مؤمنان را برای دورهٔ پسایغمبر آماده می‌کند.

بنابراین پیامبران در اجتماعات ظهور می‌یابند، از اجتماع سرباز می‌گیرند، به‌سرعت آنان را به گروه تبدیل می‌کنند، این گروه را توسعه می‌دهند و به یک اجتماع مبدل می‌سازند که بر اساس آن جامعه‌پردازی رخ می‌دهد و حکومت شکل می‌گیرد و درنهایت آنها را برای دورهٔ امامت آماده می‌کنند.

شهید صدر در این زمینه معتقد است: وقتی پیامبر از روز اول فردی را جذب کرد، می‌داند که او را برای تشکیل پایگاه امت اسلامی به کار خواهد گرفت و این افراد را در آن سیر، به کمال مطلوب می‌رساند.

ح) نقش افراد در تحول و تغییر اجتماعی

جولایی فر: آیا توجه به رویکرد اجتماعی شهید صدر رحمته‌الله در تحول آفرینی سبب

بی‌اعتنایی به ساحت‌های افراد در جامعه نشده است؟

بهجت‌پور: شهید صدر بی‌تفاوت به ساحت فردی نبوده و قرآن هم فراوان به حیظه‌های فردی توجه می‌کند؛ در جایی می‌فرماید: «هر کسی اعم از مرد یا زن عمل صالحی انجام دهد، او را با حیات طیبه‌ای زنده می‌کنیم» (نحل: ۹۷). این یعنی حیات طیبه هر شخص با عمل خود او رقم می‌خورد. حیات طیبه به این معناست که انسان به مقامی می‌رسد که نه تنها گناه نمی‌گند بلکه دیگر از گناه لذت هم نمی‌برد و تفر دارد.

وقتی قرآن در سورهٔ نحل که هفتادمین سوره‌ای است که بر پیغمبر نازل شد، از حیات طیبه سخن می‌گوید، کاملاً به یک ساحت فردی اشاره می‌کند؛ لذا مرحوم شهید صدر هم



که این معارف قرآنی را دیده مانند مارکسیسم حکم نمی‌کند که باید فرد و ساحات وجودی او هضم در جامعه شود و او به هیچ وجه این‌گونه نمی‌اندیشد. آن چیزی که در اندیشه اسلامی مطرح است، این است که این فرد با حفظ هویت مستقلش چگونه ساخته و تربیت شود که توانایی‌های اجتماعی را به نحو شایسته داشته باشد و بتواند در اجتماع دوام بیاورد.

نظر شهید صدر این است که مؤمنانی تربیت شوند که به‌خوبی بتوانند نقش اجتماعی را ایفا کنند و برای تشکیل امت اسلامی کنشگر دین باشند؛ پس در این نظر به «من» توجه شده؛ اما به «من»ی که باید آن نقش را ایفا بکند. شهید صدر در نظریه خود، رسالت دین را فازی می‌داند و لایه اول قرآن با راهبری‌های پیامبر این بوده است که جامعه‌ای با این ظرفیت بسازد که بتواند پایگاه امت اسلامی باشد؛ یعنی چقدر باید به این جامعه مطلب داد و چه توسعه‌ای در آن ایجاد کرد؟ آن توسعه‌ای لازم است که جامعه با آن بتواند پرچم‌دار گسترش اسلام در جهان شود؛ یعنی آن قدر توان داشته باشد که بتواند با فرهنگ خود دیگران را تسخیر کند و فرهنگ خودش را القا نماید؛ به نحوی که توسط دیگران با علاقه جذب شود؛ مثلاً گسترش اسلام در ایران با جنگ همراه بود؛ اما جنگ برای رفع موانع بود و ایرانی‌ها نهایتاً اسلام را با اشتیاق پذیرفتند و توانستند اندیشه اسلامی را دریافت و فهم کنند.

اتفاقی که در صدر اسلام افتاد، این بود که پیامبر و قرآن در یک جامعه جاهلی وارد شد و با تخلیه آنها از جهالت و عقلانیتی که به جامعه تزریق نمود، از نظر اعتقادی، گرایشی و رفتاری ظرفیتی در جامعه آفرید که این ظرفیت آنها را آماده کرد تا بتوانند جهانی را با خود و اندیشه خود همراه کنند. علامه صدر بر کارکرد قرآن در نسل اول مخاطب تأکید دارد.



به نظر من قرآن در یک کانتکس و واقع خارجی آمده و حرف‌هایش ذهنی و از جنس منطق و ریاضی نیست، بلکه در زندگی مردم ورود کرده و تغییر ایجاد کرده است.

ط) عوامل روان‌شناختی تحول و تغییر اجتماعی

جولایی فر: از دیدگاه شهید صدر^{ره} کدام عوامل روان‌شناختی زمینه سیر تحول اجتماعی مورد تأکید قرآن است؟

بهجت‌پور: اولین موضوعی که قرآن به آن می‌پردازد، حل مسئله ربوبیت است نه وجود خدا. اثبات «الله» موضوع قرآن نبود. دلیل آن هم واضح است؛ زیرا مشرکان خداوند را قبول داشتند؛ لذا توحید ربوبی به این معنا که چه کسی تدبیرگر و صاحب اختیار من است، مراد بوده است؛ اینکه چه کسی در عالم تکوین و تشریح کارگردانی می‌کند. مشرکان در عالم تکوین، خورشید و ماه و ستاره و... را مؤثر می‌دانستند. فرعون هم می‌گفت: من پرودگار شما هستم، قانون‌گذار و سیاست‌شما منم و شما باید مطیع من باشید.

اولین مسئله‌ای که اسلام بر آن تأکید کرد، ربوبیت بود و می‌دانست که بشر از نظر روان‌شناختی، مخلوق بودن، عین ربط‌بودن و تغییر و تحول خود و هستی و عدم استقلال خود را می‌فهمد. قرآن روی این اقرار بشر دست گذاشت و از آنجا شروع کرد.

مسئله دومی که قرآن مطرح کرد این بود که «کل هستی را تبدیل به آیه کرد که هر کس به این نشانه‌ها ایمان بیاورد، مؤمن است و هر کس ایمان نیاورد، کافر است». پس قرآن بعد از معرفت رب به ایمان تأکید زیادی دارد و می‌گوید: بشر باید بپذیرد که این جهان نشانه است. پیامبران هم برای توضیح همین‌ها آمده‌اند و نشانه‌بودن هستی از وجودی در غیب حکایت می‌کنند. به سیر نزول هم که می‌نگریم در سوره علق می‌فرماید: برو به مردم بگو



که رب شایسته کیست، «اقراً باسم ربک الذی خلق». کلمه «اسم» به معنای ویژگی و نشانه برتری است. نشانه برتری یا علامت رب تو این است که او آفریدگار مطلق است: «خلق الانسان من علق: انسان را از آن کرم‌واره یا اسپرم آفریده است» و «اقراً و ربک الاکرم ...»؛ او کسی است که ربوبیت کریمانه تکوینی نسبت به شما داشته و قلم به دست شما داده تا ویژگی انسانی شما که علمتان است، به عمل بیاید و به بار بنشیند.

پس با توجه به مسائل معرفتی، ابتدا از آفرینش کل سیستم شروع می‌کند و سپس به آفرینش انسان اشاره می‌کند. در ادامه می‌فرماید: اگر کسی این مطلب را بفهمد، درست می‌شود و اگر نفهمد طغیان می‌کند: «کلا ان الانسان لیطغی» (علق: ۶).

ی) نقد اندیشه علامه مصباح یزدی^ع و علامه جوادی آملی در رسالت قرآن

جولایی فر: مرحوم آیت الله مصباح رسالت قرآن را به سه مبحث به ترتیب بینشی و گرایشی و رفتاری تقسیم کردند و آیت الله جوادی آملی تحول فرد در خانواده را مقدم داشتند و زمینه تغییر اجتماع دانستند. به نظر شما چه نقدی به اندیشه ایشان مطرح است؟

بهبخت‌پور: سخن آیت الله مصباح نظم خوبی دارد؛ اما دلیل بر این بیان نداریم. آیت الله جوادی نیز می‌فرمایند: «خداوند اول فرد را ساخت، سپس خانواده را ساخت و آن‌گاه جامعه را بنا کرد». این مبنا از بررسی سیر نزول حاصل نمی‌شود. مرحوم آیت الله مصباح^ع هم می‌فرماید: «ابتدا بیش را درست می‌کنیم، سپس گرایش را می‌سازیم و در آخر رفتار را بنا می‌نهم»؛ در حالی که اینها در قرآن به صورت ترکیبی آمده است. این طور



نیست که مثلاً سی سوره بر بینش تأکید شده باشد، سی سوره گرایش را ساخته باشد و سی سوره هم رفتار را اصلاح کرده باشد. حتی تقسیم عقاید و احکام و اخلاق هم در نگاه قرآن منفک از هم نیست و تماماً ترکیب می‌شوند. من در کتاب **تروییت توحیدی** که مشغول نوشتن آن هستم، به همین موضوع پرداخته‌ام. ما درختی داریم که ریشه آن خالقیت است، ساقه آن ربوبیت است و شاخه‌های آن توحید استعانت، توحید ربوبیت و هدایت است. قرآن در هر زمان گوشه‌ای از این درخت را تقویت می‌کند و توضیحاتی درباره آن بخش می‌دهد تا نهایتاً این درخت ثمره رفتاری، ثمره گرایشی و ثمره بینشی داشته باشد.

زیبایی کلام شهید صدر در این است که تکلیفی برای ما معلوم نمی‌کند و به پیشرفت و توسعه، نظم مکانیکی نمی‌دهد. آیت‌الله جوادی به ترتیب از فرد، خانواده و اجتماع سخن می‌گوید و آیت‌الله مصباح^ع در انتهای بحث انسان‌شناسی خود می‌فرماید: «اول بُعد بینشی، سپس بُعد گرایشی و در آخر رفتاری است»؛ در صورتی که در سیر نزول چنین اتفاقی نیفتاده است. ما مجموعه‌ای از عوامل را به دست می‌گیریم و نگاه به فرد می‌کنیم، نگاه به جامعه می‌کنیم، نگاه به جایگاه فرد در جامعه یا وضعیت جامعه می‌کنیم و به تناسب نیاز جامعه اینها را خرج می‌کنیم و به کار می‌بندیم.

اجزای یک اتومبیل هم هر کدام به طور جداگانه کاری از پیش نمی‌برند؛ بلکه در ارتباط با هم و در تنیدگی با یکدیگر اثرگذارند.

دقیقاً همین طور است. با دقت در کلمات شهید صدر در می‌یابیم که ایشان برای ما تعیین تکلیف نمی‌کند و مراحل بریده و جدای هم شکل نمی‌دهد و این نکته درخور توجه و بررسی است.

این فکر را که بالاخره اجتماع از خانواده و آن هم از فرد نشئت می‌گیرد، آیت‌الله جوادی



مطرح می‌کند؛ در حالی که هیچ ریشه قرآنی ندارد؛ مثلاً اسلام می‌گوید: تو چه کار داری که پدر و مادرت چه کسانی هستند. اطاعتشان بکن، ولی تو کسی هستی و والدینت افراد دیگری هستند: «وان جاهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلاتطعهما» (عنکبوت: ۸). قرآن در جایی دیگر تبعیت از آبا را نفی می‌کند یا با مثال ابراهیم علیه السلام و پدرخوانده‌اش آزر، دو مسیر متفاوت را در یک خانواده مطرح می‌سازد. باید ملاحظه شود که مباحث خانواده در اسلام از کجا پررنگ می‌شود. وقتی مسلمان‌ها سیزده سال در مکه بودند، هیچ حکمی مبنی بر اینکه اگر همسرت مشرک بود طلاقش بده، وجود ندارد. هیچ سوره مکی چنین حکمی نداده است. اگر قرار بود با خانواده‌های مسلمان، جامعه مسلمان را تشکیل دهیم، به ما می‌گفتند: اگر همسر شما مسلمان نشد، طلاقش بده. حتی وقتی مهاجرت به مدینه رخ داد، قرآن نفرمود: از همسری که الان کافر یا مشرک است، جدا شوید. در سوره بقره که اولین سوره مدنی است می‌فرماید: «ولاتنکحوا المشرکین حتی یؤمن» (بقره: ۲۲۱)؛ یعنی از این به بعد اگر خانواده‌ای تشکیل شد، باید بین مؤمنان باشد نه اینکه از همسران مشرک خود جدا شوید. این خیلی اهمیت دارد که اسلام بر منطقی که فرهیختگانی همچون علامه جوادی آملی معتقدند، اصرار ندارد؛ برای مثال اگر اسلام را در چین عرضه کنید، زنی بپذیرد و همسرش نپذیرد چه کار می‌کنید؟ آیا مثل کسانی حکم می‌دهید که به مرد پنجاه ساله تازه‌مسلمان می‌گویند: برو ختنه کن، بعد اگر زنت هم مشرک است طلاقش بده؟ باید توجه داشت که دین در مقام تحقق غیر از دین نظری و بینشی من و شماست.

ک) نقش نهادها در تغییر و تحول اجتماعی

جولایی فر: نهادها در تغییر اجتماعی نقش مهمی دارند. آیا شما در تحول اجتماعی



اصالت را به اجتماع می‌دهید و تحول فردی به تبع آن است؟

بهجت‌پور: بله شما باید در چنین جامعه‌ای اصلاح اجتماعی کنید. در این اصلاح، نهادهای جدید را بر اساس مبانی ایمانی بنیان می‌کنید و نهادهای گذشته را هم منکوب نمی‌کنید. در نظر بگیریید صدها مرد و زنی را که مؤمن راستین هستند و خانواده آنها مسیر دیگری دارند. اینها می‌توانند یک حرکت اجتماعی خوبی ایجاد کنند. خانواده نقش پیش‌برنده دارد؛ اما نقش مقدمی ندارد. هیچ دلیلی از اسلام نداریم که تا خانواده‌ها درست نشوند جوامع اسلامی شکل نمی‌گیرند. قرآن می‌فرماید: «ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط کانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین فخانتاهما: اینها کافر بودند و زیر سلطه دو پیغمبر من بودند و خیانت کردند» (تحریم: ۱۰). همین پیغمبران خدا زانشان کافر بودند؛ اما جامعه‌پرداز هم بودند و در رأس اجتماعیات قرار داشتند. قطعاً خانواده یک زمینه و یک فرصت است؛ اما یک شرط نیست. حال آنکه ما می‌پسندیم یک منطق فازی و مکانیکی در ذهن خودمان شکل دهیم. بحث این است که قرآن چگونه برخورد می‌کند؟ این نگاه شهید صدر به قرآن است و در نظریه او خانواده را نمی‌بینیم. ایشان هدف قرآن را تشکیل فرد، سپس خانواده و بعد جامعه نمی‌دانند. پیغمبران از همان ابتدا با اجتماع درگیری پیدا می‌کنند و به دنبال تشکیل تدریجی فرد و سپس خانواده مسلمان و بعد از آن جامعه اسلامی نیستند.

ل) فرایند تحول و تغییر اجتماعی در اندیشه شهید صدر^ع

جولایی فر: از دیدگاه شهید صدر^ع این تغییر و هدایت اجتماعی از کدام نقطه آغاز می‌گردد و چه فرایندی را طی می‌نماید و به بیان دیگر عوامل محرک این نوع هدایت

کدام است؟

بهبخت پور: طبق نظر مرحوم صدر سه مسئله گرایش عبادی، نجات عقل از جهل و نجات بشر از جنبه شهوت، سه عامل محرک هستند. نخست توحید را درست کن و دوم عقلانیت را رشد بده که عقل در اینجا به معنای سنجش و در برابر جهالت به معنای رفتار غیر عقلایی است و سوم اینکه بشر را پاک کن. این کارها که انجام شد، تحول اتفاق می افتد.

م) تبیین تحول اجتماعی بر اساس سیر نزول

جولایی فر: استاد با توجه به اینکه شما دیدگاه ترکیبی در تحول اجتماعی را مقبول می دانید، رابطه اندیشه شما با دیدگاه شهید صدر رحمته الله علیه چگونه است و کمال اندیشه شهید صدر رحمته الله علیه به چیست؟

بهبخت پور: قرآن در سیر نزول خود در حوزه عقلانیت، همه رفتارهای جامعه را در چهارچوب عقلانیت ارزیابی کرده است و گفت وگویی خود و جامعه جاهلی را از جنس گفت وگویی عقلانی کرده است. این تربیت عقلانی جامعه خیلی اهمیت دارد که متأسفانه بعضی خیال می کنند چون در قرآن آمده، فقط نقلی است. قرآن گاهی گفت وگوهای فرادینی دارد: آیه «قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین» (بقره: ۱۱۱) را برای سؤالاتی عقلایی مطرح می سازد؛ مثل آنجا که می فرماید: «أنتم انزلتموه من المزن ام انحن المنزلون: آیا شما باران را نازل می سازید یا ما نازل می کنیم» (واقعه: ۶۹). روشن است که این پرسشها در مقام گفت وگویی عقلانی است.

زیبایی الگوی شهید صدر این است که به این لایه ها توجه کرده و بی جهت از نزد





خودش به تقسیم و دسته‌بندی نپرداخته و تسلیم مشهورات و نگاه مکانیکی نشده است. آیت‌الله جوادی آیاتی را که برای اثبات نظر خود در حوزه خانواده می‌آورد، مربوط به سال‌های آخر عمر پیامبر است؛ مثلاً به آیه «قوا انفسکم و اهلیکم ناراً» (تحریم: ۶) استشهاد می‌کند. این سوره آخرین سوره یا یک سوره مانده به آخر است؛ حال آنکه وقتی به جامعه‌پردازی می‌پردازند، از سوره‌های مکی استفاده می‌کنند. این ایراد به ایشان وارد است که وقتی این ترتیب را به قرآن نسبت می‌دهد، نمی‌شود برای خانواده، از سور مدنی و برای جامعه از سور مکی نمونه بیاورد. مرحوم مصباح^۳ نیز وقتی ۲۹ هدف را پشت سر هم قرار می‌دهد، می‌فرماید: «اول بینشی‌هاست، سپس گرایشی‌ها و در آخر رفتاری‌هاست»؛ حال آنکه ترتب کلی بر هم ندارند؛ البته ترتب جزئی دارند. مرحوم مصباح تعبیری دارند که گاهی یک فیلسوف چیزهایی را از جیب خودش اضافه می‌کند. در این مسئله هم این حضرات چیزهایی را از جیب خودشان به دین اضافه کرده‌اند.

اما در روش شهید صدر باید پدیدارشناختی به سمت قرآن برویم تا خود قرآن راهنمایی کند. ما می‌خواهیم از قرآن گزارش بگیریم، باید بینیم بر اساس سیر نزول اول چه کرده، با چه کسانی درگیر شده و بر چه مسائلی دست گذاشته، در مرحله دوم چه کرده، مرحله سوم و همین‌طور الی آخر. وقتی شهید صدر دم از توحید و نگاه بینشی قرآن می‌زند، این نگاه در همه ۱۱۴ سوره قرآن مطرح است.

مسئله عقلانیت هم در کل قرآن بحث شده است و همیشه توجه می‌دهد که رفتار نباید جاهلانه باشد و حجت بین خود و مخاطبان را عقل قرار می‌دهد که حتی نسبت به پیامبر هم همین‌گونه است.

با دقت در گفت‌وهای بین قرآن و پیامبر در می‌یابیم دائم در حال مذاکره علمی هستند.



در مسئله تهذیب هم قرآن همواره مراقبت می‌کند که فرد دچار آسیب‌های اخلاقی نشود؛ قرآن گاهی ما را از یک آسیب پاک می‌کند و زمانی کمالی اخلاقی را ارائه می‌دهد. اگر ما در امتداد شهید صدر قرار بگیریم، این سؤال را مطرح می‌کنیم که این سه عاملی که مرحوم صدر فرمود به چه ترتیبی در قرآن وجود دارد؟ اگر کسی بپرسد این سه عاملی که تغییر اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کرد و عرب جاهل مشرک غیر مهذب را تبدیل به پایگاه امت اسلامی کرد، با چه ترتیبی با جامعه ارتباط پیدا می‌کند، می‌گوییم در سیر نزول قابل فهم است. اگر کسی بتواند عوامل پایگاه‌ساز را بر اساس سیر نزول کاملاً احصا کند و جدول تقدم و تأخر این عوامل را تدوین کند، به سر مهندسی قرآن برای جامعه‌پردازی دست می‌یابد. قطعاً قرآن مانند ما برخورد نمی‌کند که مثلاً چهل ساعت کلاس بینش بگذارد، سی ساعت کلاس اخلاق دایر کند و بیست ساعت عقلانیت را آموزش دهد. مدل قرآن در تحول اجتماعی مدل ترکیبی است که در سیر نزول خود، عوامل و عناصر را بسته به تغییری که مصلحت بوده در آن برهه زمانی روی دهد، دائماً ترکیب کرده است. شهید صدر کاملاً ناظر به جامعه عصر نزول فکر کرده است، به خلاف آن دو عالم بزرگوار که به مطلق انسان اندیشیده‌اند. اینکه قرآن فرمود: «لتنذر ام القرى و من حولها» (انعام: ۹۲) دلیل دارد.

کار آیت‌الله جوادی این است که انسان را از لوازم مکانی و زمانی حیاتش عاری می‌کند و لذا بسیاری از آثار تربیتی تبدیل به آثار علمی شده است؛ یعنی شما نمی‌دانید چه تکلیفی در میدان دارید. آشنایی با مباحث علوم تربیتی دارید؛ اما نمی‌دانید الان با پیش‌فرض‌های من و جهان من که مواجه می‌شوید، چه مشورتی بدهید.

پیامبر اسلام ﷺ تعبیری دارد در **اصول کافی** (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۹۹) آمده است و



می فرماید: «له ظهْرٌ و بطنٌ فظاهره حکم و باطنه علم». ظاهر قرآن دستورات شریعت است؛ اما پشت همه اینها دانشی است که انسان چیست؟ فطریات او چیست؟ چگونه راه را پیدا می‌کند؟ و....

من الان از این روش باید الگو بگیرم. روشی که قرآن در جامعه پیدا کرده و اجتماع را اصلاح کرده، باید کشف شود. از دل مشی قرآن باید قاعده بیرون آورد؛ اما قاعده‌ای که واقعاً از دل این روش بیرون بیاید نه اینکه از پیوست تربیتی خود منسلخ شود. آن آقایان پیوست‌های تربیتی قرآن را از آن بریده‌اند.

ن) الگوی فرازمانی و مکانی تحول اجتماعی بر اساس نزول قرآن

جولایی فر: آیا توجه به شرایط عصر نزول باعث نمی‌شود قاعده استخراج شده منحصر به همان عصر باشد؟

بهبخت‌پور: خیر، شما وقتی با انسان صحبت می‌کنید، این انسان فطریاتی دارد، پیر باشد یا جوان، عرب باشد یا عجم، امروزی باشد یا دیروزی؛ اما همین انسان از تشخیص‌های فردی و اجتماعی نیز برخوردار است. آیا شما می‌توانید صرفاً بر اساس فطرت بشر را تربیت کنید بدون اینکه شرایط محیطی، خانوادگی، اجتماعی و تشخیصی او را لحاظ نمایید؟ قرآن هم می‌گوید: شما از فطریات برخوردارید؛ اما این فطریات در کنار شخصیت‌هایتان به شما هویت داده است. الگو هم باید با توجه به مشخصه‌ها در نظر گرفته شود.

من فکر می‌کنم الگوی شهید صدر می‌تواند در محیط‌های مختلف اجرا شود؛ اما الگوهای دیگران این گونه نیست. شما اگر هزار بار کلاس بینش و اخلاق و عقلانیت و چه



و چه بگذارید، باز هم تربیت مد نظرتان اتفاق نمی‌افتد. تحول وقتی روی می‌دهد که این الگو را متناسب با شرایط اختصاصی به منصفه ظهور زساند. من ایرانی انسان هستم و فطریات دارم، اما اکنون در شرایط انقلاب هستم و شرایط ویژه و منحصر به فردی دارم. علامه صدر - به بیان من - می‌گوید: قرآن را در جامعه معاصران پیامبر و مخاطبان اول او خوب بررسی کنید تا رسالت آن برای جامعه اولی که بنا بود پایگاه امت اسلامی باشد، روشن شود. شما نمی‌توانید قرآن و اهداف قرآن را بریده از جامعه مخاطب پیغمبر ببینید؛ یعنی بافتاری را که قرآن در آن نازل و با جامعه‌ای که توسط پیامبر ﷺ نهادگذاری می‌شد، باید لحاظ کرد.

شان نزول هیچ‌گاه نمی‌تواند مخصص باشد؛ اما برای من و شمایی که می‌خواهیم بفهمیم قرآن چه کرده است، مکی بودن، مدنی بودن، سبب نزول، شان نزول و حوادث پیرامونی بسیار اهمیت دارد. باید آن کانتکس را تلقی بکنیم. در غیر این صورت نمی‌توانیم بفهمیم قرآن چه کرده است. دلایل بعضی عبارات را هم نمی‌توانیم بفهمیم. چرا بعضی از جاها قرآن صرفاً تهدید می‌کند؟ چرا بعضی اوقات، برای همان موضوع برهان می‌آورد؟ این رویکردها ناظر به هدفش است. هدف اولیه قرآن، آن مخاطبان بوده‌اند و بعداً افراد دیگر شریک در خطاب شده‌اند؛ لذا باید ابتدا آن مخاطبان را بشناسیم.

وقتی متن قرآن را در آن موقعیت اجتماعی فهمیدیم، کار دوم صورت می‌گیرد که اسمش را می‌گذاریم «جری و تفصیل»؛ یعنی جریان آیات از فضای اجتماعی به فضای اجتماعی امروز و تطبیق آن بر امروز. افزون بر تفسیر دوره تنزیل قرآن، نیازمند مطالعات اجتماعی است.

اینکه بدانیم ساختار اجتماع امروز چیست و اگر بخواهیم آن مطالب را در ساختار



جدید امروز محقق کنیم، باید سراغ الگوی آن زمان و پیشنهاد قرآن برویم و باید با توجه به موقعیت اجتماعی زمان نزول الگو را مشخص کنیم؛ اما وقتی می‌خواهیم در اینجا اجرا کنیم، باید اختصاصات آن جامعه را سلب و مختصات جامعه امروز را پیاده کنیم.

س) نقد اندیشه شهید صدر در تحول اجتماعی

جولایی فر: اگر نگاهی انتقادی به دیدگاه شهید صدر داشته باشید، چه نواقصی به

نظرتان می‌آید و به نظر شما چرا شهید صدر رحمته تفسیری با این رویکرد نوشت؟

بہجت پور: ایشان ترتیب نزول را ملاحظه نکرده که اگر لحاظ می‌کرد، شاید بیشتر از سه عامل را لحاظ می‌نمود یا هیئت ترکیبی این عوامل را بهتر می‌دید. ایشان رویکرد اجتماعی به مسائل داشت و به همراه شاگرد خود آقای آصفی سعی می‌کردند مسائل اجتماعی را با توجه به نیازهای جهان امروز بفهمند و با این فهم، حساسیت ذهنی بیابند و سراغ قرآن بروند. شهید صدر سنت در قرآن را نوشت. شاگردشان آقای آصفی **المذهب الاجتماعي في القرآن** را نوشت. اینها مسائل امروز را می‌سنجیدند و بر اساس مسائل امروز سراغ قرآنی می‌رفتند که در ساختار اجتماعی آن زمان نازل شده است.

مرحوم آصفی وقتی **مذهب اجتماعی قرآن** را درس می‌داد، می‌گفت: «بعضی کاملاً جبرگرا هستند، بعضی هم کاملاً اختیارگرا هستند و مانند پوپر می‌گویند: ما اساساً نمی‌توانیم جامعه را تفسیر و پیش‌بینی کنیم. اما اسلام سه‌عاملی است؛ هم جبر را می‌پذیرد و هم اختیار را قبول دارد و انسان به وسیله اختیار سلسله‌ای جبری از عوامل را حرکت می‌دهد، عامل سوم هم مراعات خداوند است؛ به این معنا که خدا نمی‌گذارد اختیار انسان به گونه‌ای باشد که جهان را به هم بریزد؛ لذا مدیری‌تش می‌کند».



شهید صدر هم فرصت نکرد اندیشه خود را امتداد دهد. باید بینیم بر اساس این اندیشه چطور می‌توانیم تحول را به‌روزرسانی کنیم. ایشان غالباً در زمینه اصول و اقتصاد اسلامی شناخته شده است؛ اما در زمینه تفسیر و نگاه تحولی مغفول مانده است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

۱. مقدمه موضوع تحول و هدایت اجتماعی بازگشت به رسالت قرآن از منظر متفکران و مفسران دارد و مهم‌ترین زمینه تحول از منظر قرآن در دل آیات بیانگر رسالت قرآن نهفته است.
۲. رسالت قرآن در اندیشه متفکرانی همچون علامه مصباح یزدی^ع به بینش و گرایش و رفتار و در اندیشه علامه جوادی آملی به تحول فرد و خانواده و جامعه و در اندیشه شهید صدر^ع به هدایت اجتماعی اختصاص دارد.
۳. نقد اندیشه علامه مصباح و علامه جوادی آملی در این است که دلیل قرآنی بر ترتیب مدعای خود نیاورده‌اند؛ اما شهید صدر همه اهداف ۲۹ گانه را ذیل تغییر ریشه‌دار اجتماعی می‌پندارد.
۴. از منظر شهید صدر^ع تحول فردی هم برای تحول اجتماعی مورد توجه است و هیچ یک از این تحولات به‌تنهایی مورد بحث نیست؛ از این رو به تربیت فرد در جامعه و نه در خلأ تأکید دارد.
۵. توجه متفکران غربی به جامعه‌پردازی در تحولات فرهنگی و فکری غرب، زمینه ابراز نظر اندیشمندان جهان اسلام همچون محمد عبده و شهید صدر^ع شد و اندیشه تحول اجتماعی را پدید آورد.



۶. رویکرد اجتماعی دین در آیات قرآن و هدف از رسالت پیامبران مهم‌ترین دلایل قرآنی اندیشه شهید صدر^ع است.
۷. در اندیشه شهید صدر^ع نقش افراد بسیار مهم است و این گونه نیست که فقط اجتماع و تحول آن از اهمیت برخوردار است و نظر شهید صدر این است که مؤمنانی تربیت شوند که به خوبی بتوانند نقش اجتماعی را ایفا کنند و برای تشکیل امت اسلامی کنشگر دین باشند.
۸. عوامل روان‌شناختی تحول و تغییر اجتماعی در گرو ربوبیت و عقلانیت و توحید آیه‌ای در نظام آفرینش است. قرآن کل هستی را تبدیل به آیه می‌کند و هر کس به این نشانه‌ها ایمان بیاورد، مؤمن است و هر کس ایمان نیاورد، کافر است.
۹. فرایند تحول در اندیشه شهید صدر^ع از گرایش عبادی آغاز شده و با نجات عقل از جهل ادامه می‌یابد و با نجات بشر از شهوت به کمال می‌رسد.
۱۰. تحول عقلانی جامعه در سیر تحول اجتماعی بر اساس اندیشه شهید صدر^ع و استاد بهجت‌پور که معتقد به تفسیر نزولی قرآن است، از اهمیت برخوردار است و زیبایی الگوی شهید صدر این است که بی‌جهت از خودش به دسته‌بندی نپرداخته و با روش پدیدارشناختی به سمت قرآن رفته است.
۱۱. نقص کار شهید صدر^ع در اینکه عوامل پایگاه‌ساز بر اساس سیر نزول را احصا نکرده و مهندسی قرآن رمزگشایی نشده است.
۱۲. دیدگاه برگزیده استاد بهجت‌پور مدل تحولی ترکیبی در تغییرات اجتماعی است. این اندیشه در سیر نزول قرآن با نمایش عناصر در کنار یکدیگر به تناسب مصلحت‌سنجی نمایان می‌گردد.

۱۳. الگوی شهید صدر[ؑ] فرازمانی و مکانی است و اگرچه از عصر نزول برداشت شده، محدود به آن نیست.

۲۴۷



